

سخن ثبوتی در مراسم نکوداشت یونسکو- دانشگاه هنر

تهران - ۱۴۰۰/۸/۱۶

سلام علیکم

جناب آقای وزیر،

بزرگواران،

خانم‌ها و آقایان

سپاس گزارم که در این مجلس انس که برای تفقد از یک معلم برگزار می‌شود بنده را مفتخر فرموده‌اید. از جناب آقای دکتر نامور مطلق رئیس دانشگاه هنر، جناب آقای دکتر ایوبی رئیس یونسکو، جناب آقای دکتر حداد- عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، جناب آقای دکتر منادی رئیس محترم کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، جناب آقای دکتر صالحی قائم مقام فرهنگستان علوم،

دکتر نصیری یار شفیق و رفیق ۵۰ ساله‌ام، رئیس محترم دانشگاه شهید بهشتی، جناب آقای دکتر دارابی قائم مقام میراث فرهنگی،

جناب آقای دکتر محمدعلی زلفی‌گل، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری صمیمانه تشکر می‌کنم که بر من منت گذاشتید و با سخاوت مهربانانه خود مفتخرم فرمودید.

از جناب آقای دکتر مستکین تشکر ویژه دارم که از چند ماه پیش در تدوین و تنظیم و اجرای این برنامه سنگ تمام گذاشته‌اند.

جناب آقای دکتر زلفی‌گل، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری خلاق و خوی بنده را از سال‌ها پیش می‌شناسید. اجازه می‌خواهم در این مجال کوتاه از دو چیز سخن به‌گویم.

من بر این باورم که دانشگاه‌ها و دانشگاهیان ما وظایف خود را با توجه به امکاناتی که در اختیارشان است خوب انجام می‌دهند. گواهم برای این باور این است که تاکنون فسادهای بزرگ مالی و اخلاقی و سازمانی در مقیاسی که از نهادهای عمومی و خصوصی دیگر در سر زبان‌هاست از دانشگاه‌ها و دانشگاهیان گزارش نشده است.

بر این باورم که دانشگاه‌ها در درون خود سازوکار خودپالائی دارند و آلودگی‌ها را از خود دور می‌کنند. نیروی پیش‌ران این سازوکار هم انبوه جوانان دانشجویی است که بی‌آلایش‌اند و ایده‌آل‌جو هستند که از مدیران و استادان‌شان می‌خواهند بی‌آلایش باشند.

ولی دانشگاهیان ما خودزنی می‌کنند. به پیروی از روال معمول و مرسوم نامیمون جامعه بیش از اندازه از نقاط ضعف می‌گویند و نقاط قوت خود را نمی‌بینند. تنها تمهیدی که من اندیشیده‌ام این است که به خودم و دیگران توصیه کنم زبان خود را به گفتن بدی‌ها نیالائیم و گوش خود را به شنیدن ناسازگاری‌ها نیازاریم.

آیا جنابعالی و تیم همکاران وزارت‌خانه‌ای که هدایت‌اش به عهده گرفته‌اید می‌توانید گامی هم در جهتی که من برای خودم برگزیده‌ام بردارید.

سخن دوم: جناب‌عالی به عنوان یک دانشگاهی باسابقه خوب می‌دانید که با خون‌دل دانشجوی را تعلیم می‌دهیم، به بلوغ علمی می‌رسانیم و تحویل دیگران می‌دهیم. توانائی نگاه داشتن‌شان را نداریم. محظورات و معذورات زیاد است و شرح آن‌ها در این مجال کوتاهی که دارم نمی‌گنجد. تنها به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنم و انتظار بذل توجه دارم.

استاد جوان ما با حقوق ماهانه‌ای که دارد قادر به تأمین هزینه مسکن نیست. بالطبع با حواس‌جمعی لازم نمی‌تواند به آموزش و پژوهش دل بدهد. از دو حال خارج نیست. یا از خیر استخدام دانشگاهی می‌گذرد و به بیگانه پناه می‌برد یا ناچار می‌شود از کیفیت کار دانشگاهی‌اش به‌کاهد. آیا دانشگاه‌ها نمی‌توانند زمین رایگان در نزدیکی دانشگاه‌ها در اختیار اساتید جوان بگذارند. آیا وزارت‌خانه تحت امر جنابعالی می‌تواند گامی در این جهت بردارد.

به عرایض پایان می‌دهم و به خدا می‌سپارم‌تان

یوسف ثبوتی